

معلمان در ابتدای راه!

علیرضا هاشمی

دبیرکل سابق سازمان معلمان ایران

«اگر مساله معلمان را سه گانه توصیف، تبیین مسائل و مشکلات آموزش و پرورش و تجویز راه‌های برای برون‌رفت از وضع موجود نامطلوب به سوی وضع مطلوب ناموجود بدانیم، آنگاه به‌خطیر بودن این مساله و اهمیت نقش‌اندیشه در این پروژه پی‌خواهیم برد.

به زبان دیگر مجموعه‌ای از معلمان خواستار تغییراتی هستند که در گام اول مربوط به وضعیت آموزش و پرورش و در گام بعد معطوف به سطح جامعه است.

«قطعا این حرکت در درجه اول، حرکتی صنفی است نه سیاسی؛ البته طی این مسیر در فضا و شرایط آزاد و دموکراتیک امکان پذیرتر بوده و به نظر می‌رسد معلمان در شرایط کنونی طلایه‌دار تحرکی صنفی برای به دست آوردن این حق اولیه و اساسی شهروندی می‌باشند.

«در پاسخ به این پرسش که چرا یک خواسته صنفی و البته اعتراضی، سریعا سیاسی شده و از مسیر خود خارج می‌گردد باید گفت، ضعف کنشگری معلمان و همچنین فضای بسته سیاسی، دست به دست هم داده و این شرایط را رقم زده است.

«در یک جامعه بسته حتی هنگامی که درباره حقوق صنفی نیز فعالیتی شود، ناخودآگاه وارد عرصه سیاست می‌شویم.

البته نباید از گرایش‌های حزبی و فکری بعضی از فعالان معلم (سیاسیون صنفی‌نما)، همچنین توهمی که به صورت عمومی دچار آنیم و عدم تلاش فکری در تفکیک و مرزبندی فعالیت‌های صنفی و سیاسی، غافل شد.

«ناگفته نماند معلمان ایرانی و تشکلهایشان با معلمان سایر نقاط جهان نیز ارتباط‌چندانی ندارند و از تجربیات آنها چندان استفاده نکرده و نمیکنند. خوشبختانه امروزه شبکه‌های اجتماعی این امکان را فراهم کرده تا در ارتباطات جهانی از نحوه سازمان‌دهی و فرایندهای پیگیری مطالبات معلمان در گوشه و کنار دنیا نکته‌هایی بیاموزیم.

«همگان بر این باور هستند که اصلی‌ترین عنصر نظام آموزش در کشورهای مختلف، معلمان‌اند. ارتقای سطح اثرگذاری و کارآیی آنان

باید در صدر اولویتهای نظام تصمیم‌گیر کشور باشد. البته مسئولیت تک تک معلمان و اراده سیاسی حکومت در تحقق این ارتقاء نبایستی فراموش شود. به نظر می‌رسد توجه به مهم‌ترین رکن آموزش و پرورش با کیفیت یعنی معلمان با کفایت، هنوز به مطالبه‌ای عمومی در جامعه ما تبدیل نشده؛ به همین دلیل است که مسائل و مشکلات آموزش و پرورش حل نشده باقی مانده و حتی هر روز بر آن نیز افزوده می‌شود.

«جامعه شناسان می‌گویند مسائل و مشکلات آموزش و پرورش، آنگاه به عنوان یک مساله اجتماعی تلقی خواهند شد که حساسیت عمومی، به کمک رسانه‌ها، اراده سیاسی مسئولان را به این مساله - مشکل - یا معضل و بحران جلب کند. اگر چنین شود امید به حل این امور روز به روز بیشتر می‌شود.

در پاسخ به این پرسش که چرا چنین نمی‌شود؟ میتوان گفت جامعه ما در حال حاضر انباشتی از بحران‌ها را یکجا تجربه میکند، که بسیاری از آنها به حکمرانی هدایتی، مستقر در جامعه بر می‌گردد به گونه‌ای که حاکمیت با نگاه ایدئولوژیک خود بیشتر به دنبال مساله نماهاست تا مساله. مثلا به جای دغدغه پرورش نسلی پرسشگر، خلاق و توسعه‌گرا، نسلی هویت‌گرا، انقلابی و جهادی را جستجو میکند.

«ساختار اقتدار گرای حکومت، آموزش و پرورش و مدرسه اجازه چون و چرا نمی‌دهد و «باید»، «باید» است، خصوصا اگر این «باید» مذهبی باشد!

ساختار دینی حاکم بر جامعه صلاح بچه را از خود بچه که هیچ، از پدر و مادرش نیز بهتر می‌فهمد و حق خود می‌داند که همه را به مسیری که به حیات طیبه منتهی می‌شود هدایت کند.

راستی حق آموزش و حق تربیت را حکومت از کجا آورده است؟ حکومت هدایتی در استیفای حقی که خود برای خود تعریف کرده و ظاهرا از میان کتب فقهی استخراج نموده، جدی است، او آنقدر خود را ذی حق میدانند که حتی نگاهش به معلمان نیز در این زمینه کاملا ایزاری بوده و هرکس که منقاد نیست، در گزینش‌های سخت و نظارت‌های سخت‌تر حذف می‌شود.

ساختاری که خود را در هدایت محق می‌داند، حتی از محتوای کتب آموزش هم در جهت رسیدن به خواسته‌هایش سود برده و هر شبه علمی را بجای علم به ذهن و روان دانش آموز سرازیر می‌کند.

«به باور نگارنده، معلمان برای پیگیری مطالبات خود، باید تشکل و سازمان داشته باشند (تعداد اعضای کنونی تشکل‌ها مناسب نیست) باید مطالبه و خواسته مشخص و اولویت بندی شده داشته و در روندی دموکراتیک نماینده و سخنگو انتخاب نمایند. نمی‌شود هرکس شعاری و سخنی متفاوت از دیگری بگوید و روشی دیگر برای رسیدن به آن اتخاذ

کند و انتظار موفقیت داشته باشد. حکومت نیز باید بداند با یک گفت‌وگوی منطقی و دوجانبه و مذاکراتی برد-برد مسئله را سامان دهد و یک مطالبه صنفی به درگیری خیابانی و افزودن زندانی و هزینه‌های آن چنانی نینجامد.

در انتها همچنان سوالات متعددی برای اندیشه وجود دارد. معلمان که از سوءمدیریت و ناکارآمدی حکومت در تنگنایند و مطالباتشان بر زمین مانده، چه برخوردی کنند که منافع صنفی در راستای منافع ملی قرار گیرد و نه مخدوش‌کننده آن؟ چه ملاحظاتی را در انتخاب زمان طرح مطالبات و چگونگی آن می‌توان لحاظ کرد؟ اکنون که ما در شرایط پیچیده‌ای قرار داریم به درایت و دوراندیشی نیازمندیم. در همین راستا، دروهله نخست و آخرین کلام ۱/مسئولان امر را به برخورد منطقی و متین با مطالبات درست اقشار مردم از جمله معلمان دعوت می‌کنم.

۲/وبه دوستان کنشگر می‌گویم نامعقول است که کسی بر روی جورچینی کار کند که باوردارد قطعات آن جور در نمی‌آیند. حتی نگرش «نمیدانم که قطعات جور در می‌آیند یا نه» به تمام وکمال عقلانی نیست، زیرا با چنین نگرشی احتمال می‌رود که با نخستین نشانه‌ی دال بر اشکال دست از کار بکشیم.

منب:؛ ۰۰۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰۰۰-۰۰۰۰